

انگیزه در کار از منظر آیات و روایات

بهزاد مرتضائی*

چکیده

اگرچه کار جوهر وجودی آدمی است. اما این جوهر به صورت بالقوه در انسان وجود دارد و برای به فعلیت رساندن آن عوامل متعددی باید به کار گرفته شود. تجربه نشان داده است، کسانی می توانند در کار خود موفق شوند که انگیزه قوی در کار داشته باشند. از جمله عوامل موفقیت در کار، انگیزه و نیت الهی است. به هر میزان که این انگیزه کاری قوی تر باشد آثاری که کار در بعد تکامل فردی و اجتماعی انسان می گذارد وسیع و عمیق تر است. قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی بهترین منبع انگیزشی در انسان است زیرا بر ساختار خلقت انسانی وقوف کامل دارد بنابراین به استناد آیات قرآن و احادیث و روایات اهل بیت (ع) عوامل ایجاد انگیزه در کار را می توان استخراج نمود. در این مقاله نویسنده سعی دارد مهم ترین عوامل ایجاد انگیزه در کار هم چنین عوامل کاهنده و بازدارنده انگیزه های کاری را مورد نقد و بررسی قرار دهد. پاره ای از این عوامل ایجاد و بازدارنده عبارتند از:

* دکترای فلسفه و کلام اسلامی از دانشگاه تربیت مدرس تهران - عضو هیئت علمی و استادیار پایه ۲۲ گروه معارف اسلامی

دانشگاه امام حسین (ع) - عضو مدعو دانشگاه تهران.

الف : عوامل ایجاد کننده انگیزه درکار : ۱ . مورد علاقه بودن نوع کار برای فرد ؛
۲ . ایجاد علاقه به کار ؛ ۳ . کار را از خود دانستن ؛ ۴ . کار را برای خدا انجام دادن ؛
۵ . نتیجه کار را به خدا واگذار نمودن ؛ ۶ . انتظارات خود را از کار و صاحب کار
متعادل نمودن ؛ ۷ . متعادل نمودن ایده آل گرایی ؛ ۸ . کار را به بهترین نحو انجام
دادن ؛ ۹ . فراگیری مهارت های همکاری با دیگران ؛ ۱۰ . رعایت اصول اخلاقی
در کار .

ب : عوامل کاهنده و بازدارنده انگیزه کار : ۱ . کار را عار دانستن ؛ ۲ . به دنبال
کارهای حرام بودن ؛ ۳ . افراط درکار ؛ ۴ . حرص خوردن بر کار ؛ ۵ . پرداختن به کار
باطل ؛ ۶ . حشر و نشر با افراد منفی گرا ؛ ۷ . قبول کاری فراتر از توانایی و تخصص
فردی ؛ ۸ . نبود انگیزه معنوی درکار ؛ ۹ . احساس پوچی از نوع کار .
کلید واژه : کار ، مضاعف ، انگیزه ، اخلاق .

مقدمه

در قرآن کریم بیش از هشتاد آیه ، شرط سعادت و نیک بختی انسان و دست یافتن او به
بهشت را دو چیز می داند : ۱ . ایمان ؛ ۲ . کار شایسته «عمل صالح» . اسلام ، با سستی و
تنبلی و بیکاری ، جداً مبارزه کرده و بیکاری را عامل بدبختی و سیه روزی می داند .
پیامبر اسلام (ص) می فرمایند : «پاکیزه ترین غذائی که انسان می خورد غذایی است که
با کار و کوشش خودش به دست آورده باشد»^۱ و نیز می فرمایند : «هیچ کس غذایی بهتر از
آنچه از عمل خویش خورد ، نخواهد خورد ، داود پیغمبر نان از عمل خویش می خورد» .^۲
با این که اسلام عبادت و توجه به خداوند و عرض عبودیت در پیشگاه او را جزء
وظایف قطعی و اجتناب ناپذیر هر فردی می داند ، با این روش که کسی تمام وقت خود را
صرف عبادت کند و از کوشش های لازم امتناع ورزد سخت مخالف است .
هر مسلمانی ، در هر شرایطی باشد ، اگر چه از نظر مادی ، متمکن و بی نیاز باشد ، حق
ندارد از کار و کوشش دست بکشد و وجودش در جامعه بی اثر گردد .

نقش کار در زندگی انسان

کار، عامل اصلی شکوفایی، استعدادها و ظرفیت‌های وجودی و مانع از رخوت، سستی و افسردگی انسان است. انسان پر انرژی و فعال است، بنابراین باید دائم در حال کار باشد؛ زیرا انرژی فراوانی در درون او قرار دارد که باید تخلیه شود. و اگر با کار و عمل مثبت تخلیه نشود، با کار و عمل منفی که همان خلاف و گناه باشد تخلیه می‌شود.

افراد اگر کار مثبت نداشته باشند چیزی به نام نفس آماره و وسوسه‌های شیطانی برای پر کردن وقت بیکاری، او را به کار ناشایسته وادار می‌کنند، یعنی: سیستمی درون انسان است که او را وادار به انجام دادن کار خلاف می‌کند.

امروزه در بررسی‌هایی که در مورد بزه کاری انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که بخش زیادی از افراد خلاف کار جامعه به دلیل این که بی‌کار بوده‌اند به سمت خلاف رفته‌اند. یعنی بیکاری باعث خلاف شده است و این یک واقعیت است. انسان دائم باید در حال کارکردن و فعالیت باشد. و اگر خودش این فعالیت‌هایش را برنامه ریزی و سازماندهی کند به آن چیزی که می‌خواهد می‌رسد. اما اگر بیکار باشد خواسته‌های نفسانی انسان را وادار به کار خلاف می‌کند. خواسته‌های نفسانی در هر رده سنی-جوانی و میان‌سالی و کهن‌سالی-خلافی متناسب آن سن را انجام می‌دهد.

شهید استاد مرتضی مطهری در کتاب تعلیم و تربیت در اسلام،^۳ یکی از بهترین راه‌های تربیت افراد را کار می‌داند و حدیث شریفی از امیرالمؤمنین (ع) نقل می‌کند که: «النفس ان لم تشغله شغلک»؛ یعنی: اگر تو خودت را متوجه کاری نکنی، نفس تو را مشغول به خودش می‌کند. بیکاری افراد، موجب ضررهای جبران‌ناپذیر و دارای مفسد بی‌شمار برای اجتماع است؛ به این معنا که یک فرد با انتخاب یکی از مشاغل مورد نیاز جامعه و اشتغال به آن، باری از دوش مردم و مسئولین بر می‌دارد و در مقابل، فرد بیکار نه تنها مشکلی را در جامعه حل نمی‌کند، بلکه خود، مشکل آفرین و سربرار جامعه اسلامی نیز می‌شود. و علاوه بر این که نیرویی هدر رفته، نیروهای دیگری را به خود مشغول خواهد کرد.

عمر هر انسانی از شب و روزهایی تشکیل می‌شود که هر یک ۲۴ ساعت است و این

۲۴ ساعت به سه ۸ ساعت تقسیم می‌گردد: ۸ ساعت کار، ۸ ساعت خواب، ۸ ساعت تفریح و زندگی. این ساعت‌ها بر روی یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل دارند. اگر یکی از آنها خراب شود ۱۶ ساعت بعدی نیز خراب می‌شود، خصوصاً اگر انسان آداب و اخلاق کار را نداند بخش مهمی از روز او که سرگرم کار است برای او آزار دهنده خواهد بود و این آزار موجب نارضایتی از خواب و زندگی می‌شود.

در قرآن مجید، آیات زیادی درباره ارزش کار و تأکید بر عمل صالح وجود دارد. قرآن به شدت انسان را از حرف زدن‌های بی عمل منع و همواره تأکید می‌کند که فضل خدا نصیب کسانی خواهد شد که اهل جهد و کوشش و تلاش باشند. در آیات قرآن آمده است: «و این که برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست و سعی او به زودی دیده می‌شود و سپس به او جزای کافی داده خواهد شد» (النجم، ۵۳/۳۹-۴۰).

در یکی دیگر از آیات آمده است: «آن کسی که سرای آخرت را بطلبد و سعی و کوشش خود را برای آن انجام دهد، در حالی که ایمان داشته باشد، سعی و تلاش او پاداش داده خواهد شد. (الأساء، ۱۷/۱۹).

در روایات است وقتی که پیغمبر اکرم (ص) از جنگ تبوک برمی‌گشتند، یکی از انصار به نام سعد به استقبال ایشان آمد و با وی مصافحه کرد. حضرت دیدند که دست‌های او زبر و خشن شده و پینه بسته است، از وی سؤال فرمودند: «چه کار کردی که دست‌هایت این قدر خشن شده است؟» سعد عرض کرد: یا رسول الله زیاد بیل زده‌ام، چون مجبور بودم برای نان زن و بچه‌ام کار کنم. حضرت دست‌های سعد را گرفتند و بوسیدند و فرمودند: «این دستی است که در آتش نخواهد سوخت».^۴

نظیر این مطالب در زندگی پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) زیاد است. این نشان می‌دهد که کار و کارگری در نزد اولیا خدا چقدر ارزش و عظمت دارد.

حضرت علی (ع): برترین کار آن است که رضای خدا در آن خواسته شود؛ انسان مؤمن همیشه اوقات مشغول کار است؛ کسی که کار کند، نیرویش افزون گردد. روزی‌ها دارای وسیله و سببی هستند، بنابراین در به دست آوردن روزی، به روش خوب و پسندیده عمل کنید و نیکویی را به کار برید خداوند انسان دارای شغل و حرفه که امانتدار باشد را

دوست می‌دارد بر شما باد که دست از کار و تلاش برندارید چه در حال نشاط و چه در حال کسالت. به وسیله کار و کوشش، ثواب و پاداش بدست می‌آید نه با کسالت و تنبلی. به وسیله کارهای شایسته و نیک، درجات و ارزش‌های انسان‌ها بالا می‌رود عمل و کار معرف انسان مومن است. هر کسی به استقبال کارها رود، دارای بصیرت می‌شود از تأخیر در کارها پرهیزید، همچنین از دست دادن فرصت انجام کارهای خوب، زیرا آن موجب پشیمانی خواهد بود کسالت و تنبلی آخرت را نابود می‌کند.

امام جعفر صادق(ع): ملعون است کسی که بار زندگی خود را بر دوش دیگران افکنده باشد. در طلب روزی خود سستی نوزید، زیرا پدران شما زحمت می‌کشیدند و تلاش می‌کردند تا آن را به دست آورند. با اعمال خود دعوت کننده مردم باشید و نه با زبان تان.

راه کارهای ایجاد انگیزه در کار

۱. توجه به اهمیت کار: یکی از مهم‌ترین مسائلی که سبب ایجاد انگیزه در کار می‌شود توجه به اهمیت کار است کار گوهر زندگی است. همان‌طور که گفته شد، اگر انسان بیکار باشد ذهنش به طرف گناه می‌رود، بزهکاری از بیکاری شروع می‌شود. پس باید انسان کار کند هر چند که بی‌نیاز باشد. همه پیامبران کار می‌کردند؛ مثلاً پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت چوپانی می‌کرد و با مال و سرمایه خدیجه(ع) تجارت می‌نمود. حضرت موسی(ع) نیز گوسفند چرانی می‌نمود. حضرت ابراهیم(ع) به کارهای چوپانی و بنایی اشتغال داشت و حضرت ادریس(ع) خیاط و حضرت نوح(ع) نجار بوده است. حضرت داوود(ع) زره می‌بافت.

۲. توجه به ارزشمندی کار: از دیگر عواملی که باعث ایجاد انگیزه در کار می‌شود توجه به ارزشمندی اصل کار است. از پیامبر اعظم(ص) سؤال شد: محبوب‌ترین مردم پیش خدا چه کسی است؟ پیامبر فرمود: «کسی که بیشترین سود و خدمت را به مردم ارائه دهد». و باز آن حضرت فرمود: «والله لفضاء حاجة المؤمن خیر من صیام شهر و اعتکافه»؛^۵ به خدا قسم، برآوردن حاجت مردم از روزه و اعتکاف یک ماه بهتر است. بنابراین احساس ارزشمندی از کار باعث ایجاد انگیزه در اصل کار می‌شود.

۳. از وضعیت فعلی خود راضی بودن: ایجاد رضایت از وضعیت فعلی کار به مرور

باعث موفقیت در کار و در نهایت منجر به افزایش انگیزه کاری می‌گردد. انسان باید از وضعیت فعلی خود راضی باشد، یکی از بزرگان می‌گوید: از زندگی خودم خسته شده بودم بارها تصمیم گرفته بودم که خودکشی کنم، یک روز ناگهان به رفتار همسرم دقت کردم دیدم در آشپزخانه با خوشحالی برای خودش شعر می‌خواند با خودم گفتم این زن ۳۰ سال است که در آشپزخانه کار می‌کند ولی اظهار نارضایتی و شکوه نمی‌کند. ولی من این گونه از زندگی خود ناراضی هستم از آن لحظه این تغییر در درون من ایجاد شد که دیگر هیچ‌گاه افکار منفی را به خودم راه نندادم.

۴. توجه به جنبه‌های مثبت هر شغل: گرایش غالب در افراد، منفی‌گرایی است و همواره منفی فکر می‌کنند. بنابراین باید کاری کرد که بر این جنبه منفی فائق آید. انسان‌های موفق همواره مثبت اندیش‌اند و به افکار منفی اجازه نمی‌دهند که در آنها نفوذ کند. باید به جنبه‌های مثبت هر شغلی فکر کنید تا بتوانید از آن راضی باشید و افسرده نشوید. این جنبه مثبت می‌تواند حقوق، وجه اجتماعی و غیره باشد.

۵. خلوص نیت در کار: تمام فعالیت‌های یک مسلمان می‌تواند نوعی ارتباط با آفریدگار جهان محسوب شود. و علاوه بر ارزش اقتصادی و دنیوی، از پاداش‌های معنوی نیز در جهان آخرت برخوردار گردد. کار برای خدا، نقش مهمی در شکل دادن به رفتار اقتصادی انسان دارد. به علاوه این انگیزه می‌تواند قوای جسمی و روحی وی را در فعالیت‌های اقتصادی چند برابر نماید؛ به خاطر هدف والای وی، کار او نیز مقدس خواهد شد. رسول اکرم (ص) بر این باور بود که: «عبادت خداوند هفتاد جزء است، و بهترین آنها طلب روزی حلال است».^۶ آن حضرت اشتغال به کارهای حلال را مانند سایر عبادات، بر زن و مرد مسلمان ضروری دانسته و می‌فرماید: «به سراغ درآمد حلال رفتن، بر هر مرد و زن مسلمان لازم است».^۷

بنابراین، انگیزه‌های مقدس می‌تواند همه کارها و فعالیت‌های اقتصادی یک مسلمان را - اعم از کارهای تجاری، کشاورزی، صنعتی و خدماتی - فرا گرفته و آن‌ها را در شمار عبادات قرار دهد.

در روایتی آمده است که: روزی رسول خدا (ص) با جمعی از اصحاب در محلی حضور

داشتند. در آن میان، چشمان آنان به جوانی نیرومند و زیبا اندام افتاد که در اول صبح به کار اشتغال داشت. یاران پیامبر (ص) گفتند: یا رسول الله! اگر این جوان نیرومند، نیرو و انرژی خود را در راه خدا مصرف می‌کرد، چقدر شایسته مدح و تمجید بود! حضرت فرمود: «این سخن را نگویند! اگر این جوان برای تأمین معاش می‌کوشد و انگیزه او بی‌نیازی از دیگران است، او در راه خدا قدم برداشته، و اگر هدف او پذیرایی از پدر و مادر ناتوان خود باشد، باز هم در راه خدا کار می‌کند و اگر مقصود او سر و سامان دادن به خانواده و فرزندانش باشد، او به راه خدا رفته و انگیزه مقدسی دارد».^۸

در سیره پیامبر اکرم (ص)، هدف از رفتارهای اقتصادی جلب رضایت خداوند است. و رضایت پروردگار، انگیزه مقدس و هدف والایی است که یک انسان مسلمان را در سخت‌ترین شرایط به فعالیت‌های اقتصادی وادار می‌کند. و او حاصل زحمات خود را در راه رضای الهی خرج می‌کند.

۶. داشتن روح توکل: وجود روح توکل بر خدا در افراد، وسیله‌ای برای جلب روزی معرفی شده است. آن حضرت در این باره فرموده: «اگر آن‌گونه که باید، بر خدا توکل کنید، خداوند همان‌گونه که پرندگان را روزی می‌دهد شما را روزی خواهد داد. چنان‌که پرندگان با شکم‌های خالی صبح کرده و با شکم پر روز را به شب می‌برند».

۷. هم‌اکنون برنامه ریزی کنید که کار مورد علاقه خود را بیابید: تجربه نشان داده است، کسانی می‌توانند انگیزه قوی کاری داشته باشند که به کار مورد علاقه خود دست یافته باشند واز کار خود لذت ببرند. پس باید از ابتدای دوران جوانی برنامه ریزی نمود تا کار مورد علاقه خود را بیابیم. اگر انسان از ابتدا کار مورد علاقه خود را انتخاب کند، قطعاً در آینده انگیزه قوی برای مضاعف نمودن آن دارد واز انجام آن لذت خواهد برد. ولی این ایده‌آل است اما همیشه انسان کار مورد علاقه اش را پیدا نمی‌کند. بسیار اتفاق افتاده است که انسان‌هایی بودند که در زمینه‌ای تخصص گرفته‌اند ولی چون جامعه برای آن تخصص آمادگی ندارد، یا زمینه به هر دلیلی آماده نبوده، در کار دیگری مشغول شده‌اند. از این جا به راه حل دوم باید رسید یعنی:

۸. اگر کار مورد علاقه را نیافتیم سعی در دوست داشتن و ایجاد علاقه به کار یافته شده

نماییم: اگر کاری که پیدا کرده ایم به هر دلیل مورد علاقه ما نیست یعنی: نتوانسته ایم کاری را که دوست داریم پیدا کنیم، باید تلاش کنیم کاری را که پیدا کرده ایم دوست داشته باشیم. دنیایی که ما در آن زندگی می کنیم همیشه بر وفق مراد نیست و اگر دنیا بر وفق مراد شما نیست، شما باید سیستم را طوری تغییر دهید که بر وفق مراد شما بشود. اگر تمام تلاش خود را برای پیدا کردن شغل مورد علاقه انجام دادید ولی موفق به یافتن آن نشدید، با خود فکر کنید که هزاران نفر بوده اند که کاری را در زندگی خود دوست داشتند و به آن رسیدند ولی این کار باعث دردسر و گرفتاری آنها شده ولی افرادی هم بوده اند که در ابتدا از کاری که به آن رسیده اند، ناراضی بودند ولی بعدها این کار باعث خیر و برکت برای آنها شده است باید تلاش کنید کاری را که پیدا کردید، دوست داشته باشید. خوشبختانه انسان موجودی است که قدرت سازگاری بالایی با تغییرات دارد. می تواند کاری بکند که از آن چیزی که برایش آزار دهنده است، آزارش را کم و لذتش را افزایش دهد.

برای این گام چند چیز لازم است. این را قبول کنید که خیلی اوقات شما چیزی را دوست دارید که به ضرر شماست و از چیزی بدتان می آید که به سود شماست. انسان بدش می آید که سختی بکشد، اما بسیارند کسانی که سختی کشیدند و به جایی رسیدند. آیه قرآن مبین این نکته است: «ای بسا شما از چیزی بدتان بیاید در حالی که به سودتان است و ای بسا از چیزی خوشتان بیاید در حالی که به ضررتان است» (البقره، ۲/۲۱۶)، اگر شما کاری را که دوست داشتید پیدا نکردید، بگویید شاید این کاری که من از آن بدم می آید به سودم باشد و به گذشته نگاه کنید که شاید اگر کاری که من دوست داشتم به آن می رسیدم به ضررم می شد. این قضیه کمک می کند که شما از کارتتان لذت ببرید. طرز فکرتان را نسبت به کاری که پیدا کردید عوض کنید. تلاش کنید کاری را که پیدا کردید دوست داشته باشید. مثال ازدواج: تجربه نشان داده و قرآن هم می فرماید که اگر زن و مردی با هم ازدواج کنند و در ابتدا احساسی نسبت به هم نداشته باشند، خداوند احساس را در وجودشان ایجاد می کند. در مورد کار هم همین طور است. اگر کاری پیدا کردید که از آن خوشتان نمی آید، تلقین کنید که از کار خوشتان بیاید شاید این به سودتان باشد.

۹. در هر حالی، کار را از خود بدانید: ما از نظر روانی اگر احساس کنیم بار دیگری را

به دوش می کشیم خسته و آزرده خواهیم شد، اما اگر احساس کنیم برای خودمان کار را انجام می دهیم، احساس خستگی نمی کنیم هر گاه کاری را به شما سپردند، به خود بگویند این کار از آن خود من است. به این ترتیب احساس انگیزه برای انجام آن در شما تشدید می شود، و از آن کار لذت می برید. ما زمانی عذاب می کشیم که فکر کنیم برای دیگران بیگاری می کنیم. تا زمانی که انسان فکر کند برای دیگران کار می کند انگیزه انجام آن ضعیف و از آن کار لذت نمی برد. اما اگر این گونه فکر کند که این کار از آن خودم است، آن را درست انجام دهم، کم کم این نوع طرز فکر باعث می شود که کار را درست انجام دهید، احساس رضایت درونی کنید و کسانی که این کار را برایشان انجام می دهید رضایتشان را به شما منتقل کنند.

۱۰. دیدن جنبه های مثبت کار: دیدن جنبه های مثبت کار باعث رضایت و ایجاد انگیزه در کار می شود. معمولاً انسان عادت دارد که وقتی چیزی را می بیند، ابتدا به جنبه های منفی آن فکر کند. مثلاً وقتی برای اولین بار فردی را می بینیم، خصلت های نازیبا وی بیشتر به چشم ما می آید. طبیعتاً وقتی کاری را که علاقه نداریم پیدا کرده ایم، معمولاً ابتدا جنبه های منفی آن را می بینیم و دائماً به خودمان مشکلات موجود را یادآوری می کنیم. یکی از عواملی که به ما کمک می کند کاری که پیدا کرده ایم دوست داشته باشیم این است که تلاش کنیم جنبه های مثبت آن را ببینیم. در هر کاری هم جنبه های مثبت و هم جنبه های منفی وجود دارد، این ما هستیم که به جنبه منفی یا جنبه مثبت دامن می زنیم. اگر تمرین و تلاش کنیم که در کاری که ظاهراً سخت و آزار دهنده است، جنبه های مثبت را پیدا کنیم، کم کم احساس رضایت و لذت بردن از کار، در ما ایجاد می شود.

بنابراین اگر می خواهید از کار خود لذت ببرید به جنبه های مثبت کار فکر کنید چون جنبه های مثبت پنهان و جنبه های منفی آشکار هستند. پس باید به دنبال جنبه های مثبت بگردیم و روی آنها تأمل کنیم و از کار خود لذت ببریم.

۱۲. انتظار خود را از کسانی که برای آنها کاری انجام می دهیم به حداقل برسانیم: از جمله عواملی که در مساله کار افراد را عذاب می دهد این است که حس می کنیم کسانی را که برایشان کاری را انجام می دهیم، قدردان و شاکر نیستند. خیلی اوقات است که ما

کاری برای کسی انجام می‌دهیم، ولی وی به جای تشکر، طلبکار هم هست. اگر قرار باشد انسان از کاری که می‌کند لذت ببرد عواملی که او را آزار می‌دهد را باید پاک کند. یکی از این عوامل این است که وقتی ما برای کسی کاری انجام دادیم، انتظار تقدیر و تشکر داشته باشیم. اگر این عامل را درست کنیم، بقیه عوامل هم درست خواهند شد. ما باید انتظار خود را از کسانی که برای آنها کاری انجام می‌دهیم به حداقل برسانیم. وقتی این انتظارات به حداقل برسد و توقع قدردانی کم شود، انسان کمتر آزار می‌بیند. اما اگر منتظر تشکر باشیم، حالت آزار دهنده‌ای را خواهیم داشت. مخصوصاً وقتی این انتظار برآورده نشود. پس اگر ما در روابط کاری از کسی انتظار تقدیر و تشکر نداشته باشیم، اگر کسی هم پیدا شد که تقدیر و تشکر کرد برای ما بسیار با اهمیت و لذت بخش خواهد بود.

۱۳. کار را به بهترین نحو انجام دهید: انجام کار به بهترین نحو موجب موفقیت در کار و به دنبال آن ایجاد انگیزه مضاعف می‌شود. اگر بخواهیم در کار انگیزه داشته و از آن لذت ببریم باید آن را به بهترین نحو انجام دهیم چون در این صورت رضایت درونی برایمان حاصل می‌شود. نتیجه آن در جامعه هم خود را نشان می‌دهد و رضایت دیگران هم ایجاد خواهد شد سپس لذت را برای ما به دنبال دارد. ولی اگر بر عکس کار را درست انجام ندهیم علاوه بر عذاب وجدان خودمان، جامعه هم از ما ناراضی خواهد بود.

در زندگی، برای لذت بردن از آن باید توجه داشته باشیم که بخشی مربوط به ذهنیت‌هایی است که دیگران به ما می‌دهند و این بابت کاری است که ما انجام داده‌ایم، در هر کاری که بر ما واگذار شده، اگر بشود کمی بیشتر انجام دهیم، این کار را بکنیم؛ چون این کار اضافی، احساس رضایت زیادی را در فرد ایجاد می‌کند که به ما هم منتقل خواهد شد.

در روابط انسانی، از جمله چیزهایی که انسان را آزار می‌دهد، بی‌توجهی کسانی است که برای آنها کار می‌کنیم و دوست داریم که قدر کار و زحمت ما دانسته شود.

۱۴. پاداش کار را از خدا بخواهیم - کار را برای خدا انجام دهیم نه برای بندگان خدا - : این طرز تفکر باعث می‌شود که انسان آرامش پیدا کند و حس خوبی به او دست دهد. با این طرز تفکر افراد کار خود را به خوبی انجام می‌دهند. اگر قرار باشد ما از کارمان لذت ببریم، در قراردادی که می‌بندیم، طرف قرارداد باید خداوند باشد نه بندگان خدا. بندگان

خدا، مشکلات زیادی دارند که دو مشکل اساسی عبارتند از: ۱. اکثر آدم‌ها فراموش می‌کنند که باید تقدیر و تشکرشان را ابراز کنند. ۲. بسیاری از افراد بعد از این که کار را برایشان خوب انجام دهیم، احساس رضایت و تشکرشان را ابراز نمی‌کنند؛ زیرا در درون خود حس می‌کنند که شاید تشکر آنها باعث غرور و تکبر شخص مقابل شود. اگر کاری را برای بنده خدا انجام دادیم ولی جواب نگرفتیم مشکل از بندگان خداست.

پس قاعده کلی این است که از ابتدا بگوییم که خدایا من این کار را انجام می‌دهم برای این که بتوانم با تو ارتباط خوبی داشته باشم. اگر قرار داد خود را با خدا ببندیم، نه تنها مشکلات قبلی را ندارد بلکه حسنه‌ای دیگری هم دارد. مثلاً اگر ما یک قدم به طرف خدا حرکت کنیم، خداوند ده قدم به سمت ما حرکت می‌کند و اگر یک کار مثبت انجام دهیم، خداوند ده کار مثبت برای ما انجام می‌دهد.

بنابراین برای این که بخواهیم از زندگی خود لذت ببریم کار را برای خدا انجام دهیم نه برای بندگان خدا. بندگان خدا یا متوجه نمی‌شوند و یا اگر بفهمند، ابراز نمی‌کنند، یا اگر هم قصد ابراز داشته باشند ممکن است فراموش کنند.

زمانی که انسان از نظر اعتقادی به این نتیجه برسد که داشتن اخلاقیات مثبت کاری، مهم است، آنگاه می‌تواند این اعتقادات درونی را به رفتارهای بیرونی تبدیل و آنها را به مرحله اجرا در آورد. به تعهدات خود احترام بگذارد و سعی کند آنها را تا آخرین مرحله انجام دهد، حتی اگر انجام آنها برای او دشوار گردد. زمانی که با مقاومت و مخالفت مواجه می‌شود، مصر و سخت کوش باشد تا بتواند موانع موجود را از سر راه خود بردارد. با انضباط شخصی که برای خود قائل هست، می‌بایست خود را مجاب کند که به کاری که می‌کند توجه داشته و تنها بر روی آن تمرکز کند. باید نشان دهد که نسبت به تمام وقایعی که اطراف او رخ می‌دهد، هوشیار بوده و به آنها اهمیت می‌دهد. تصمیم‌گیری‌های زندگی را بر اساس ارزش‌های اخلاقی که در ذهن دارد انجام دهد و اگر نتیجه مطابق میل او نبود، آنرا با سربلندی بپذیرد.

۱۵. توانایی خوب کار کردن با دیگران: از جمله عوامل مهم ایجاد انگیزه در موفقیت بخشی به افراد و رضایت کامل در محل کار، توانایی آنها در استحکام بخشیدن به روابطی

ثمربخش با دیگران است. محل کار جایی است که افراد ساعات کاری زیادی را در آن می‌گذرانند و بسیاری از روابطه‌های مهم در آنجا شکل می‌گیرد. هر شغلی مستلزم تعامل با افراد است. همه ما حداقل یک رئیس داریم که با او در تعامل هستیم.

اکثر ما همکاری‌هایی داریم که با آنها از منابع مشترک استفاده و با هم همکاری می‌کنیم تا مسائل حاصل از کار با یکدیگر را مدیریت کنیم. توانمندی هرکس در انجام کاری از عوامل مهم در موفقیت در کار اوست. واقعیت ساده این است اگر افراد نتوانند با دیگران خوب کار کنند. خوب کار کردن، خوب نخواهد بود. قابلیت‌های فنی شاید بتواند کسی را به مدیریت ارتقاء دهد، اما این خصلت‌های اخلاقی و شخصیتی است که باعث بقای هر کس در مدیریت می‌شود. ترفیعات تنها دلیل خوب کار کردن با دیگران نیست بلکه رضایت شغلی نیز مطرح است. کیفیت کاری تأثیر بر زندگی افراد خواهد داشت.

روابط خوب در کار می‌تواند بدترین شغل را برای انسان قابل تحمل نماید. حال تصور نمایید چه تأثیری برای یک شغل خوب خواهد داشت!

اصول اخلاقی ایجاد انگیزه در کار مضاعف

۱. امانتداری: اگر انسان کار و مسئولیت را امانت بداند، بی‌گمان حرمت آن را پاس می‌دارد و تلاش می‌کند که به خوبی آن را پیش ببرد و بالنده سازد. امام علی (ع) از کارگزاران و کارکنان نظام اداری خود می‌خواست که کار و مسئولیت را امانت بدانند و در مناسبات و روابط خود امانتداری نمایند، چنان که خطاب به اشعث بن قیس، استاندار آذربایجان، نوشت: «همانا کاری که به عهده توست، طعمه‌ای برای نیست، بلکه امانتی است بر گردنت».^۹

بر این مبنا هر کس در هر مرتبه اداری امانتدار مردم است و باید از اموال و امکانات و حقوق و حدود و حیثیت و شرافت آنان پاسداری کند. در منظر امیرمؤمنان علی (ع) بزرگترین خیانت، خیانت به امت و تعدی به امانت است.

۲. تعهد و تخصص: این مفهوم در نهان خود دو عنصر را به یک نسبت شامل می‌شود. یکی امانت کاری؛ یعنی: تعهد رعایت حدود شرعی و قانونی کار. و دومی تخصص؛ یعنی: توان و مهارت کاری؛ این دو مفهوم در روابط اجتماعی می‌طلبند که نسبت به آن کار

هم درست کار و امین باشد و هم توانمند و با مهارت. به طور طبیعی هر مقدار که مهارت بیشتری داشته باشد خدمت بیشتری می تواند به جامعه ارائه دهد. و هر مقدار خدمت بیشتر و حساس تری با حفظ امانت و درستکاری به جامعه ارائه دهد، فضیلت و تقوای بیشتری را کسب می نماید.

۳. حس مسئولیت پذیری: مسئولیت پذیری در اخلاق کاری، زیربنای اصلی است، به گونه ای که هر نوع بی مسئولیتی به مفهوم بیرون شدن از مسیر درست و گام نهادن در کجی ها و ناراستی هاست. به بیان امیرمومنان علی^(ع): «دشمن ترین مردم در نزد خدا، بنده ای است که خدا او را به خود واگذارد، و او پای از راه درست بیرون نهد و بی راهنما گام بردارد، اگر به کار دنیایی اش خوانند، به کار پردازد، و اگر به کار آخرتی اش خوانند، سستی و کاهلی نماید، گویی آنچه برای آن کار کند بر او بایسته است، و آنچه در آن سستی و کاهلی ورزد، از او ناخواسته». ۱۰ کمال آدمی، به کمال مسئولیت پذیری اوست. هر کسی به میزانی که در مسئولیت پذیری سستی ورزد، تباهی در کارش بیشتر خواهد بود، و هر کسی مسئولیت پذیری بیشتری داشته باشد، به کمال بیشتری دست می یابد. اصل مسئولیت پذیری می آموزد که هر کس در هر مرتبه ای که باشد، نسبت به تمام امور و کارهای خود مسئول و پاسخگوست. هیچ کارگزاری نمی تواند هرگونه که خواست با مردم رفتار نماید، و خود را نیز پاسخگو نداند. بر این مبنا کسی حق کمترین اهانت و بی احترامی به مردم را ندارد. که افراد حتی نسبت به نوع نگاه و بیان و رفتار خود مسئولند. امام علی^(ع) یادآور شده است: «چیزی را که نمی دانی نگو، حتی بسیاری از چیزهایی را که می دانی، بر زبان نیاور، زیرا خدا بر اعضای تو احکامی واجب کرده است که در روز رستاخیز بدان اعضا بر تو حجت خواهد آورد».

سعی و تلاش و سخت کوشی مطلبی است که بیانگر اخلاقیات در کار می باشد برای رسیدن به موفقیت باید به سختی کار کرد و اگر در هر زمینه ای به شدت تلاش و کوشش نشود، رسیدن به موفقیت امکان پذیر نخواهد بود.

۴. میانه روی در کار: میانه روی و اعتدال در هر کاری هم زیبا و هم تأثیرگذار است. امام صادق^(ع) می فرماید: «طلب تو در کسب معیشت بالاتر از کسی باشد که کسب معیشت

را فرو گذاشته و پایین تر از طلب شخص حریصی که خشنودی و دل بستگی او به دنیاست، بلکه میانه رو و عقیف باش و از سستی و تنبلی دوری کن و برای کسب آنچه (از روزی) که مؤمن را گریزی از آن نیست تلاش کن».

۵. انضباط کاری: انضباط کاری، یعنی: آراستگی، نظم و ترتیب و پرهیز از هرگونه سستی و بی سامانی در کار. این امور از عمده ترین آداب اخلاق کاری است و هیچ سازمان و نظامی بدون رعایت این امور راه به جایی نخواهد برد. توانا ترین مدیران و کارگزاران و کارکنان در یک مجموعه اداری که اصل انضباط کاری بر آن حاکم نیست توفیقی کسب نخواهد کرد و جز اتلاف نیرو بهره ای نخواهند برد. امام علی (ع) فرموده است: «کار هر روز را در همان روز انجام ده، زیرا هر روز کاری مخصوص به خود دارد».^{۱۱}

۶. داشتن وجدان کاری: وجدان کاری عبارت است از نوعی احساس پای بندی درونی به منظور رعایت الزام های کمی و کیفی کار، که از سوی فرد- یا گروه- انجام آن تقبل شده است. وجدان کاری قبل از هر چیز تحت تاثیر نظام اعتقادی حاکم بر فرد است. به عبارت دیگر وجدان کاری عبارت است از: حالت ثابت درونی که شخص را به انجام دقیق کار، با میل و رغبت و اشتیاق ترغیب می کند. یعنی: بدون ترس از سرپرستان و از روی میل و رغبت به انجام کار پرداخته و از کم کاری و طفره رفتن از وظیفه محوله متنفراند. در حقیقت، هر فردی بدون چشم داشت به پاداش و توجه دیگران، وظیفه خویش را به درستی انجام می دهد و این کار را موجب کمال خود دانسته و از انجام مطلوب کار احساس آرامش می کند. با حاکمیت وجدان کاری، شخص درصدد نیست که با کم کاری و بی مبالاتی و نیرنگ، دستمزدی مساوی با سایرین بگیرد بلکه ملاک او برای انجام کار، وجدان می باشد؛ یعنی: او با درست انجام دادن کار ضمن این که به منافع مادی خود دست می یابد، وجدان خود را خرسند می سازد.

۷. مهرورزی: انجام دادن کارها و خدمتگزاری از سر مهرورزی والاترین هنر در اخلاق است. چنان چه اگر انجام دادن امور با مهرورزی توأم شود، صورتی زیبا و کاملاً انسانی می یابد و موجب پیوند جانها و الفت قلبها می گردد، و در رفتار و مناسبات اداری، انقلابی معنوی به وجود می آورد. نیروی محبت از نظر اجتماعی، نیروی عظیم و

مؤثری است. و بهترین اجتماع آن اجتماعی است که با نیروی محبت اداره شود. محبت زعیم و زمامدار به مردم و محبت و ارادت مردم به زعیم و زمامدار، علاقه و محبت زمامدار عامل بزرگی برای ثبات و ادامه حیات حکومت است. مردم آنگاه قانونی خواهند بود که از زمامدارشان علاقه بینند، و آن علاقه هاست که مردم را به پیروی و اطاعت می کشاند. قرآن به پیغمبر (ص) خطاب می کند: «به موجب لطف و رحمت الهی، برایشان نرم دل شدی که اگر تندخوی سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می گشتند. پس، از آنان درگذر و برایشان آموزش بخواه و در کار با آنان مشورت کن» (آل عمران، ۱۵۹/۲). در اینجا علت گرایش مردم به پیامبر اکرم (ص) را علاقه و مهری دانسته که نسبت به آنان مبذول می داشت. باز دستور می دهد که؛ ببخششان و برای شان استغفار کن و با آنان مشورت کن. این ها همه از آثار محبت و دوستی است.

۸. حفظ حقوق دیگران: حفظ حقوق دیگران همانند حقوق خود، و در مقام داوری حقوق طرفین را یکسان و برابر رعایت کردن، و برای دیگران حقوقی برابر خود قائل شدن، مهمترین قاعده ای است که حافظ سلامت و قوت نظام کاری و مایه پیوند دل هاست. اگر همین قاعده در نظام کاری رعایت شود، رابطه کارگزاران و کارکنان با مردم درست سامان می یابد و عدل و احسان جلوه پیدا می کند.

۹. به دنبال کار حلال بودن: کسب حلال عبادت و بلکه برترین عبادات است، چرا که در یک روایت به نقل از خداوند چنین فرموده: «عبادت را ده جزء است که نه جزء آن طلب حلال می باشد». پیامبر خدا (ص) فرموده: «هرکه برای کسب درآمد حلال، خود را به رنج افکند، آمرزیده است». و نیز آن حضرت، کسی که شب را در جستجوی حلال به صبح آورد مشمول غفران می دانست و می فرمود: «خداوند دوست دارد بنده اش را در زحمت طلب حلال مشاهده کند». و نیز: «طلب حلال را بر هر زن و مرد مسلمان واجب می دانست». خداوند دوست دارد که بنده خود را در راه به دست آوردن روزی حلال خسته ببیند. امام صادق (ع): «بنده آن زمان نزد خداوند گرمی تر است؛ که در صدد کسب درهمی - حلال - برآید و نتواند به آن دست یابد».

موانع ایجاد انگیزه در کار مضاعف

۱. به دنبال کارهای حرام بودن: بعضی از کارها در اسلام کار واقعی محسوب نمی شوند و حرام هستند. مال حرام زندگی انسان را تباه می کند خاک در کام خود پاشیدن بهتر است از این که حرام در دهان بگذارید. مال حرام از ابعاد مختلفی وارد زندگی انسان می شود: کم کاری و دزدیدن از کار، رشوه گرفتن در کار، قضاوت در راس مال حرام قرار دارد. و درآمد از راه فحشا و پول فروش مردار و پول فروش شراب و پول فروش سگ، درآمدی که از راه کار کردن برای والیان ستمگر به دست می آید، در زندگی کسی که دوست نداشته باشد؛ مال حلال به دست بیاورد، تا با آن آبروی خود را حفظ کند، و قرضش را بپردازد خیر و برکت نخواهد بود.

۲. کار را عار دانستن: در کلامی منظوم، امام علی (ع)، درباره کار و عزت نفس چنین سروده اند: «برای من سنگ کشی از قله های کوه آسان تر است از این که منت دیگران به دوش بکشم. به من می گویند در کسب و کار ننگ است، ولی من می گویم: ننگ این است که انسان از دیگران درخواست کند. گر می خواهی آزاد زندگی کنی، مثل برده زحمت بکش و آرزویت را از مال هرکس که باشد، قطع کن. نگو این کار مرا پست می کند؛ زیرا از مردم خواستن از هر چیز بیش تر ذلت می آورد. وقتی که از دیگران بی نیاز باشی، از همه مردم بلند قدرتر هستی».

۳. حرص خوردن بر کار: یکی از دلایل نیاز انسان به کار تامین رزق و روزی است. امام علی (ع) می فرمایند: «روزی دو گونه است: یک روزی که تو آن را می جویی و روزی دیگری که آن تو را می جوید، که اگر تو نزد آن نروی آن روزی نزد تو می آید، پس غم سالت را بر غم روزت افزون مکن، روزی هر روز برای همان روز تو کافی است. اگر آن سال - که غم روزیش را می خوری - از عمر تو باشد؛ خدای تعالی فردای هر روزی قسمت آن روز را به تو خواهد داد و اگر آن سال از عمر تو نباشد، غم روزی آن را چرا می خوری؟ هیچ کس برای رسیدن به آنچه روزی توست بر تو پیشی نگیرد و هیچ چیره شونده ای در به چنگ آوردن روزی تو مغلوبت نکند و رزقی که برایت مقدر شده بی درنگ به تو برسد».^{۱۲} و

نیز می‌فرمایند: «روزی بر دو گونه است: آن که بجوید و آن که بجویندش پس کسی که دنیا را بجوید مرگ در جستجوی او بر آید تا او را از این جهان بیرون کند و کسی که آخرت را بجوید دنیا در طلب او برآید تا او روزی کامل خود را از او بستاند».^{۱۳}

۴. افراط در کار: انسان نباید چنان غرق کار شود که زمینه‌های روحی، روانی، اخلاقی و اجتماعی خود را به فراموشی بسپارد کار در پرتو نیازهای انسان و ضرورت برقراری تعادل و آرامش در زندگی فردی و اجتماعی افراد یک فضیلت تلقی می‌شود. وظیفه کار کردن جهت تأمین نیازهای فرد و نیازهای خانواده همواره کنترل شده و با تأکید قرآن بر گذرا بودن زندگی و هشدار دادن نسبت به خطر حرص و آز و طمع کاری و اهمیت اجتناب ورزیدن از ثروت اندوزی، از افراط در آن جلوگیری شده است.

۵. قبول کاری فراتر از توانایی و تخصص: لقمان حکیم به فرزندش در مورد کار می‌فرماید: «فرزندم: برتو باد که، از انتخاب کاری که توان انجام آن را نداری هرچند پرفایده باشد بگذری. فرزندم: در کارهای خود کمک نخواه مگر از کسی که در انجام حاجت و همراهی تو اجرت بگیرد. فرزندم: در کارها اضطراب مکن. فرزندم: هیچ کاری بی تدبیر مکن. فرزندم: کار امروز را به فردا میفکن. فرزندم: ناشمرده - نسنجیده - به کار مبر، کار شمرده کن.

نتایج ایجاد انگیزه در کار مضاعف

۱. کار، جوهر آدمی است. با کارکردن در چهار چوب اصول اخلاقی، استعدادها و ظرفیت‌های وجودی انسان شکوفا می‌شود. اشتغال به کسب‌های مورد علاقه، روحیه ابتکار و خلاقیت را در افراد زنده کرده و استعدادهای درونی آنان را شکوفا نموده و انسان را متوجه نیروهای نهفته در اندرون خود می‌سازد. و به این ترتیب، مفید و مؤثر بودن خود را باور نموده و اعتماد به نفس در او تقویت می‌شود. چنین فردی با روحیه سرشار از عشق به کار، از زندگی خود لذت برده و برای رسیدن به اهداف عالی تلاش می‌کند.

۲. کار اگر در چهار چوب اصول اخلاقی باشد، سازنده انسان است. ارتباط انسان و کار، ارتباطی متقابل است؛ ضمن این که انسان آفریننده کار و فعالیت خود است، نوع

- کار انسان نیز سهم فراوانی در تکوین شخصیت وی دارد .
۳. تمدن‌های عظیم بشری نیز با همه تنوع و تفاوتشان، حاصل کار و تلاش بی‌امان و خستگی‌ناپذیر آدمیان است .
۴. آدمی همواره با انجام کار، در چارچوب اصول اخلاقی، احساس کامیابی و خوشنودی می‌کند، خواه به هدف برسد و یا نرسد . براین اساس، فردی که کار خود را درست و دقیق انجام دهد، وجدان خود را راضی و خرسند می‌یابد .
۵. پابندی به اخلاق کاری زمینه‌های ارتقای شغلی افراد را افزایش می‌دهد .
۶. اگر اعتقاد شدیدی نسبت به اخلاق کاری وجود داشته باشد، آنگاه اعتبار افراد از جایی که خودشان هم نمی‌دانند، همه جاگیر می‌شود و دیگران هم برای آنها احترام قائل می‌شوند .
۷. فرصت‌های مختلف در مقابل چنین افرادی خودنمایی می‌کنند و دنیا نعمت‌های کوچک و بزرگ خود را به آنها عرضه می‌دارد و در موقعیت قرار می‌گیرند که «شانس» با قاعده و بی‌قاعده به سراغشان می‌آید .
۸. با انجام کار، در چهارچوب اصول اخلاق افراد با همان معیاری که «موفقیت» را تعریف کرده‌اند به موفقیت دست پیدا می‌کنند .
۹. با انجام کار، در چهارچوب اصول اخلاق عزت نفس افراد افزایش پیدا می‌کند .
۱۰. ره‌آورد رعایت اصول اخلاق در یک جامعه، باعث پیدایش روحیه کار و تلاش و در نتیجه اقتصاد سالم آن جامعه است و بالعکس روحیه راحت‌طلبی و سستی، بیماری اقتصاد آن جامعه را سبب خواهد شد .
۱۱. دنیا پر است از مشکل و سختی شاید افرادی که دارای اخلاق کاری قوی هستند، نتوانند به آن بزرگی و عظمتی که جامعه تعریف می‌کند برسند، اما به هر حال افرادی که به بزرگی رسیده‌اند همیشه اظهار می‌دارند که همین «اخلاق کاری» یکی از فاکتورهای آنها برای رسیدن به موفقیت محسوب می‌شود . هر کسی چه فرد بزرگی باشد و چه در تصورات خود احساس کند که بزرگ هست و به دیگران هم با این دید نگاه کند، و اخلاق کاری مثبتی را از خود به نمایش بگذارد، چیزی جز موفقیت در انتظارش نخواهد بود .
۱۲. بخشی از عزت نفس، در گرو کار و تلاش است . کار کردن، موجب می‌شود

انسان به کمک دیگران امید نبندد و دست‌گدایی و نیاز به سوی این و آن دراز نکند. بی‌نیازی از دیگران و عزت نفس، در ذات کار و کوشش است. امام صادق (ع) در به هم پیوستگی این دو اصل می‌فرماید: «ای بنده خدا، عزت خود را با کار کردن حفظ کن». [شخصی] پرسید: فدایت شوم، عزت من در چیست؟ حضرت فرمود: «صبح گاهان برای کسب رفتن و اعتماد به خود داشتن، عزت توست».

۱۳. آرامش روحی، انسان با کسب درآمد از نظر روحی آرامش می‌یابد. زیرا فرد نیازمند از نظر روحی در اضطراب و نگرانی است؛ انسان هر گاه نیازهای خود را تأمین کند آرام می‌گیرد.

۱۴. اشتغال به کار مفید و مورد نیاز جامعه، با رعایت اصول اخلاقی راه رسیدن به موقعیت اجتماعی یک فرد می‌باشد و شغل او هر قدر از نیازهای جامعه بکاهد و موجب تقویت و استقلال و آزادی و عزت هموطنان خود می‌بگردد، همان مقدار موقعیت اجتماعی صاحب شغل در میان افراد جامعه اسلامی، بیشتر و بالاتر خواهد بود.

-
۱. ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ۲۲/۴.
 ۲. نهج الفصاحه/۶۹۶/ح/۲۶۲۰.
 ۳. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ۷۸۹/۲۲.
 ۴. اسدالغابه «ابن اثیر، ۱۶۹/۲.
 ۵. وسائل الشیعة، ۱۶/۳۴۵/ح/۲۱۷۲۱.
 ۶. بحارالانوار، ۱۸۹ و ۷/۱۰۰.
 ۷. همان/۹.
 ۸. المحجة البيضاء، ۱۴۰/۳.
 ۹. پیکار صفین «ترجمه: وقعة صفین»/۳۸.
 ۱۰. نهج البلاغه «فیض الاسلام»/۳۰۴/خ/۱۰۳.
 ۱۱. تحف العقول «ترجمه: شهیدی»/۱۳۱.
 ۱۲. نهج البلاغه/۱۲۶۶/حکمت/۳۷۱.
 ۱۳. همان/۱۲۸۷/حکمت/۴۲۳.